

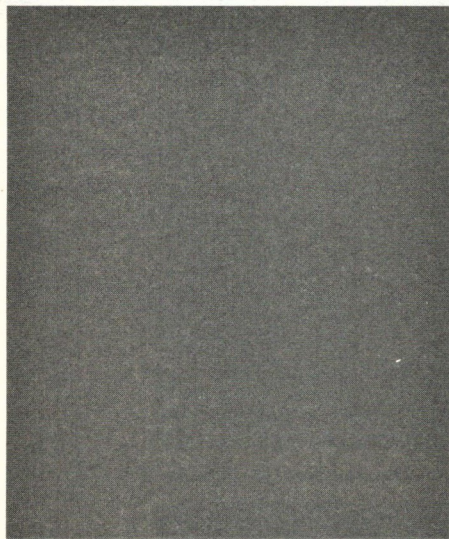
فهرست

بیازتق — عرام روز

نگار نامه‌های نزار قبانی

صد نامه‌ی عاشقانه‌ی نزار قبانی

■ ابوالقاسم قوام — زهرا یزدان نژاد ■



فهرست

- | | |
|--|--|
| <p>من آخرین مرد زندگی تو نیستم/ ۶۹</p> <p>میان ما بیست سال فاصله است/ ۷۰</p> <p>در روزهای تابستان/ ۷۱</p> <p>وقتی مردان/ ۷۲</p> <p>همیشه می دانم/ ۷۳</p> <p>صداقت/ ۷۴</p> <p>ناخن های عشق ما/ ۷۶</p> <p>هر گاه بعد از مدتی جدایی/ ۷۷</p> <p>نامه هایی که به سوی تو می نویسم/ ۷۸</p> <p>مانند اسبی که زین و سوارش را.../ ۷۹</p> <p>وقتی که به کوه می روی/ ۸۰</p> <p>هر مردی که پس از من ببوسنت،/ ۸۱</p> <p>کمی از حلقه چشماتم دور شو/ ۸۲</p> <p>باران بر هر دوی ما می بارید،/ ۸۳</p> <p>خسته،/ ۸۴</p> <p>آه/ ۸۵</p> <p>روزی با خود فکر کردم/ ۸۶</p> <p>وقتی تو را با لباس جدیدت دیدم،/ ۸۷</p> <p>چشمانت، جشن آتش بازی است./ ۸۸</p> <p>می خواهم با تو.../ ۸۹</p> <p>متشکرم/ ۹۰</p> <p>هر گاه به سفر می روی،/ ۹۱</p> <p>آیا روزی فکر کرده ام/ ۹۲</p> <p>پس از آن که تو را شناختم،/ ۹۴</p> <p>کتاب هایم را ببند./ ۹۵</p> <p>دیروز/ ۹۶</p> <p>از تو تمنا دارم/ ۹۷</p> | <p>یادداشت مترجم/ ۷</p> <p>مقدمه ی نویسنده/ ۱۱</p> <p>می خواهم شعری برایت بگویم/ ۱۵</p> <p>صبحی از روزهای خردانه،/ ۱۸</p> <p>وقتی گفتم دوستت دارم/ ۲۱</p> <p>وقتی خداوند/ ۲۵</p> <p>هیچ روزی از روزها،/ ۲۹</p> <p>چرا تو؟/ ۳۱</p> <p>من به تمام کودکان جهان آموختم/ ۳۳</p> <p>دیگر تو کیستی ای زن؟/ ۳۵</p> <p>تو را عاشقانه دوست دارم/ ۳۷</p> <p>عشق تو مرا بر زمین وحشت پرت کرد/ ۳۹</p> <p>تو را/ ۴۱</p> <p>صورتت بر صفحه ساعت حک شده.../ ۴۴</p> <p>تو بیرون از اشتیاقم، زمان واقعی نداری/ ۴۶</p> <p>این دو سالی که معشوق من بوده ام،/ ۴۹</p> <p>درازای عمر من/ ۵۰</p> <p>وقتی که تو در کنارم نشسته ای،/ ۵۱</p> <p>با دیدن تو از شعر ناامید می شوم/ ۵۲</p> <p>معلم نیستم/ ۵۴</p> <p>رفاه و تجمل گرایی ات را/ ۵۶</p> <p>چون عاشق توام/ ۶۰</p> <p>به تو قول داده ام/ ۶۱</p> <p>غرغره می کنم/ ۶۲</p> <p>پنداشتم که تو را چون کودکی زاده ام،/ ۶۳</p> <p>تو کیستی ای زن؟/ ۶۵</p> <p>نامه هایی که به سوی تو می نویسم،/ ۶۸</p> |
|--|--|

- وقتی همراه با من / ۹۸
- دسته کلید طلائی که به من دادی، / ۱۰۰
- چرا از من می خواهی / ۱۰۱
- عشقبازی کننده با تو، / ۱۰۳
- دشنه فرو رفته در پهلویم... / ۱۰۴
- وقتی که قطره های باران / ۱۰۶
- هوایما اوج گرفت / ۱۰۸
- پیش از آن که وارد شهر دهانت شوم، / ۱۱۰
- عاقبت، / ۱۱۱
- تو زنی بی خیالی هستی / ۱۱۴
- گاهی می اندیشم تا تو را در یکی از
میدان های شهر شلاق بزنم / ۱۱۷
- من نمی توانم از چارچوب بشریت... / ۱۱۹
- وقتی سر بر شانه ای من می گذاری / ۱۲۱
- ای دختر بیروتی، / ۱۲۳
- قبل از تو / ۱۲۵
- ماهها گذشته است / ۱۲۷
- آن شب که با من رقصیدی، / ۱۳۰
- دوباره باران می آید / ۱۳۲
- اگر روزی با مردی روبرو شوی / ۱۳۵
- این روزها، / ۱۳۷
- از دوری گزیدن من / ۱۳۹
- نه من می توانم کاری انجام دهم، / ۱۴۱
- تا چند دقیقه دیگر، / ۱۴۲
- دو سال پیش که تو را شناختم / ۱۴۶
- ساده بودم وقتی تصور می کردم / ۱۴۸
- بر پیاده رو ایستگاه قطار ایستاده ایم / ۱۵۰
- هرگاه / ۱۵۲
- تصور نکن رفتنت فاجعه است. / ۱۵۳
- آنگاه که رم سوخت / ۱۵۴
- در آخرین نامه نوشته ای که... / ۱۵۵
- آیا راه حلی برای مسئله من داری؟ / ۱۵۷
- بعد از ظهر / ۱۵۹
- تو مرا منطقی دوست داری / ۱۶۱
- فنجان قهوه ات را به من بنوشان / ۱۶۳
- از سوی دوستان و دشمنانم / ۱۶۵
- چرا به من تلفن می کنی؟ / ۱۶۹
- آیا عشق را / ۱۷۲
- نامه ات در نامه - جای من، / ۱۷۵
- مانند هیپی ها لباس ساده پوشیده ای، / ۱۸۱
- احساس می کنم / ۱۸۳
- این نامه ای غیر عادی، از روزی غیر
عادی ست. / ۱۸۸
- ساعت کرملین از نیمه گذشته است. / ۱۹۷
- ودکا بر زبانم، / ۲۰۰
- از لنینگراد برایت می نویسم، / ۲۰۲
- در باغ های قصر تابستانی در لنینگراد، / ۲۰۶
- از روزهایی که با تو گذراندم... / ۲۰۹
- مطمئن باش ای بانوی من / ۲۱۱
- این آخرین نامه ای من است. / ۲۱۳



می‌خواهم شعری برایت بگویم
که شبیه هیچ شعر دیگری نباشد.
و زبانی برایت بیافرینم
که از ابعاد اندامت و مساحت عشق من برتر باشد.
می‌خواهم از ورق‌های فرهنگ لغت سفر کنم
و از دهانم گذرنامه بگیرم
از حرکت گردش‌های دهانم خسته‌ام
دهان دیگری می‌خواهم
که هرگاه خواستم به درخت گیلاس یا چوب کبریتی بدل شود.
دهانی تازه می‌خواهم که کلماتی از آن بیرون بیاید
همان‌گونه که پری‌های دریایی از دریا بیرون می‌آیند
همان‌گونه که کبوتران سپید از کلاه شعبده‌باز بیرون می‌آید.